

بازخوانی حقوق خانواده در پرتو سنت نبوی

<?xml encoding="UTF-8?">

مقدمه

امروز خانواده یکی از محوری ترین نهادهای اجتماع بشری است که تاکنون جانشینی برای آن یافت نشده است. نقش کلیدی خانواده در برآوردن نیازهای عاطفی، فرهنگی، اقتصادی و غیر آن، این نهاد را به عنوان یک نهاد طبیعی بی بدیل که از آغاز خلقت همراه بشر بوده، تبدیل نموده است. از سوی دیگر آسیب ها و آفت هایی که موجب سست شدن بنیاد خانواده شده، توجه محققان را به مطالعه کارکردها و ابعاد گوناگون این نهاد جلب نموده است. اگر قرن حاضر را قرن فروپاشی خانواده در غرب بنامیم گزافه نگفته ایم، این سیل بنیان کن به مرزهای کشورهای غربی محدود نمانده و از طریق وسایل ارتباطی، مهاجرت و ... کشورهای اسلامی و جهان سوم را نیز درنوردیده است. آمار رو به افزایش طلاق در کشورهای اسلامی مایه نگرانی بسیاری از متفکران و دینداران گردیده است.

تأسف انگیزتر اینکه در فرایند صنعتی شدن کشورهای جهان سوم و ورود ماشین و صنعت از کشورهای غربی «جنبش های آزادی زنان» از نوع غربی آن هم وارد این کشورها شده است. ماهیت این جنبش ها با فرهنگ و تمدن اسلامی ناهمگون است، چه در این ایده ها خدا جایگاهی ندارد. در جامعه و فرهنگی که خدا حضور نداشته باشد، ایثار و فداکاری و مهر و عاطفه و سایر دستوره های اخلاقی و دینی بی معناست. دستوره های اخلاقی چون گذشت و مهرورزی اساس و بنیاد خانواده را تشکیل می دهد. سست شدن بنیاد خانواده نیز دورنمای آینده بشر و ارزش های انسانی را تار و مبهم می سازد. بر اساس این واقعیت است که گفته اند: «سست شدن بنیان خانواده در قرن حاضر تهدیدی برای آینده بشریت و ارزش های انسانی است.»

این در حالی است که متفکران مسلمان با تکیه بر تعالیم انسان ساز اسلام تنها راه گریز از آثار سوء و خانمان برانداز فرهنگ غرب را پناه بردن به معنویت و اخلاق می دانند.

آمیختن حقوق و اخلاق از امتیازات نظام حقوقی اسلام است که در بحث حقوق خانواده جا گرفته است. آمیختگی فقه خانواده و اخلاق خانواده در اسلام از روی حکمت و تدبیر صورت گرفته است. طبیعت خانواده اقتضای چنین ترکیبی را دارد. بلکه می توان گفت:

نقش اخلاق در خانواده که کانون مهر، ایثار و گذشت است بیش از حقوق می باشد.

با این وصف توجه به حقوق خانواده و ارتقای جایگاه زن در خانواده از موضوعات مهم مورد توجه محققان، حقوقدانان و فقیهان در کشورهای اسلامی بوده است تا شاید بتوان از این طریق جلوی سیل مخرب فرهنگ غربی که موجودیت خانواده را در کشورهای اسلامی تهدید می کند، سد نمود.

از میان روش های گوناگون انجام اصلاحات در حوزه حقوق خانواده بی شک اصلاح معطوف به کتاب و سنت و به اصطلاح «درون دینی» مطمئن ترین و بی نقص ترین روش های اصلاح است که ضرورت آن غیر قابل انکار می باشد.

این تحقیق در پی آن است که حقوق خانواده و تحولات آن را مطالعه کند و این حقیقت را باز نماید که اولاً: تحول و تطبیق جریانات و نهادهای اجتماعی با زمان یک ضرورت انکارناپذیر است.

اگر قرن حاضر را قرن فروپاشی خانواده در غرب بنامیم گزافه نگفته ایم، این سیل بنیان کن به مرزهای کشورهای غربی محدود نمانده و از طریق وسایل ارتباطی، مهاجرت و ... کشورهای اسلامی و جهان سوم را نیز درنور دیده است. آمار رو به افزایش طلاق در کشورهای اسلامی مایه نگرانی بسیاری از متفکران و دینداران گردیده است. ثانیاً: این وظیفه اندیشوران و محققان مسلمان است که بهترین و سالم ترین نوع اصلاح و تحول را در نهادهای اجتماعی از جمله نهاد خانواده به کار بندند. به تعبیر دیگر در کشاکش میان سنت و تجدد، ناگزیر از اصلاح و ایجاد سازواری میان آن دو هستیم. این اصلاح در سایه سنت نبوی باید صورت گیرد، چرا که در سنت نبوی نه تنها اصلاحات تاریخی در حوزه حقوق خانواده و زن انجام شد که بنیادها و روش های صحیح اصلاح نیز نمایانده گردیده است.

خانواده از دیدگاه پیغمبر اکرم (ص)

وحی و سنت نبوی اساساً جدایی ناپذیرند؛ آنچه در کتاب خدا بر پیغمبر نازل شده است با تبلیغ در جامعه گسترش می یابد و هر چه پیغمبر اکرم (ص) برای مردم می گوید، به حکم «ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی» مورد تأیید و حمایت خداوند جهانیان است.

پس ناگزیریم هر گاه سخن از دیدگاه حضرت محمد (ص) به میان آید به قرآن کریم مراجعه کنیم.

أ) سفارش به ازدواج: در اینکه نکاح نهادی است مورد توصیه و سفارش اسلام هیچ تردیدی وجود ندارد. فقیهان بر استحباب نکاح در اسلام سه دلیل اقامه کرده اند: اجماع، کتاب و سنت.

بر اساس سنت قطعی تمام مذاهب اسلامی، ازدواج نهاد مقدسی است که سیره رسول خدا (ص) بر آن تأکید بسیار دارد. روایات زیادی از پیامبر در مجامع و منابع روایی شیعه و اهل سنت وارد شده است که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم. پیامبر (ص) فرمود: «ما بنی فی الاسلام احب الی الله عزّ و جل من التزویج؛ هیچ نهادی محبوب تر از ازدواج نزد خداوند بزرگ نیست.»

نیز فرموده اند که هر کس ازدواج کند نصف دینش را حفظ نموده، ازدواج کنید که در روز قیامت به شما مباحثات می کنم و تأهل گزینید که روزی رسان تر است.

از علی (ع) روایت شده است: ازدواج کنید که سنت رسول خداست و همو فرمود: هر کس خواهد از سنت من پیروی کند ازدواج کند و فرزند بخواهد.

امام صادق (ع) در پاسخ سؤالی که از رفتار شخصی پرسیده بودند که عبادت می کند و غذا و زن و بوی خوش را کنار گذاشته مرقوم فرمود: زن داشتن سنت رسول خدا بود و همواره گوشت و غسل میل می فرمود.

دستورهای اخلاقی چون گذشت و مهرورزی اساس و بنیاد خانواده را تشکیل می دهد.

نسبت شدن بنیاد خانواده نیز دورنمای آینده بشر و ارزش های انسانی را

تار و مبهم می سازد. بر اساس این واقعیت است که گفته اند:

«نسبت شدن بنیان خانواده در قرن حاضر تهدیدی برای آینده بشریت و ارزش های انسانی است.»

همچنین فرمود: هر کس دوست دارد که خدا را پاک و پاکیزه ملاقات کند، باید زن بگیرد. دو رکعت نماز متأهل

برابر با هفتاد رکعت نماز فرد بی همسر است.

(ب) فواید و آثار نکاح: امام محمد غزالی، فیض کاشانی و ملا احمد نراقی ضمن اشاره به روایات و سنت رسول خدا (ص) فواید بسیاری برای نکاح برمی شمارند که به طور خلاصه به آنها اشاره می کنیم.

1. پیدایش فرزند و بقای نسل منظور اصلی از تشریح نکاح است.

حضرت محمد (ص) فرمود: به زیادی اتمم مباحثات می کنم و دعای فرزند صالح تبرک دارد و به واسطه کودکی که بمیرد، طلب شفاعت می شود.

2. محفوظ ماندن از شیطان و دفع طوفان شهوت و چشم پوشیدن از حرام.

3. راحتی نفس و انس آن به همنشینی با همسر و فرزند که موجب آسودگی خاطر و تقویت آن بر بندگی خداوند است.

4. فراغت دل از امور منزل و خانه داری.

5. جهاد با نفس و ریاضت آن در قیام به حقوق اهل و عیال و صبر بر اخلاق آنها و احتمال اذیت آن و کوشش در اصلاح و ارشاد آنها.

آنچه در کلام بزرگان در باره اهداف ازدواج بیان شد، نشانگر آن است که اسلام برای ازدواج جنبه عبادی قائل شده، طبیعی است که اهداف معنوی ازدواج بر اهداف مادی آن برتری دارد.

جالب این است که از میان اهداف فوق، قرآن کریم ابتدا به آرامش دهندگی ازدواج تصریح می فرماید: «هو الذی خلقکم من نفس واحدة و جعل منها زوجها لیسکن الیها ...؛ اوست که همه شما را از یک تن بیافرید و از آن یک تن، زنش را نیز بیافرید تا به او آرامش یابد ...» پس از آن می فرماید:

«فلما تغشیها حملت حملاً خفیفاً فمررت به فلما اثقلت دعوا الله ربهما لئن آتیتنا صالحاً لنكونن من الشاکرین؛ چون با او در آمیخت، به باری سبک بارور شد و مدتی با آن سر کرد و چون بار سنگین گردید، آن دو، پروردگار خویش را بخواندند که اگر ما را فرزندی صالح دهی از سپاسگزاران خواهیم بود.»

به این ترتیب می توان گفت ازدواج پیوند عاطفی و حقوقی است که به موجب آن کامجویی جنسی میان زن و مرد مشروع می گردد. بنابراین دستیابی به آرامش و آسودگی، اولین فایده و ثمره ازدواج است. چنان که از روایت منقول از پیامبر فهمیده می شود:

«حببت الی من دنیاکم النساء و الطیب و جعلت قرة عینی فی الصلاة؛ از دنیای شما نزد من، اینها دوست داشتنی است: بوی خوش و زن، و نور چشمم در نماز است.» ویژگی مشترک این سه چیز جدای از اثر معنوی، آرامش بخشی آنها است.

سخن و سیره رسول معظم (ص) علاوه بر توصیه به تشکیل نهاد خانواده، بر استحکام آن نیز تأکید دارد. سفارش های حضرت بر رعایت نکاتی در باره گزینش همسر و بیان ملاک های آن همه حکایت از این مهم دارد. انتخاب شایسته همسر و از روی حساب، پیش از ازدواج قطعاً از مشکلات و اختلافات خانوادگی پس از ازدواج می کاهد. ابوحزمه ثمالی از جابر بن عبدالله انصاری روایت می کند: روزی همنشین رسول الله (ص) بودیم. حضرت فرمود: می خواهید شما را از بهترین زنان آگاه سازم؟ جمع گفتند: بلی

از میان روش های گوناگون انجام اصلاحات در حوزه حقوق خانواده بی شک اصلاح معطوف به کتاب و سنت و به

اصطلاح «درون دینی» مطمئن ترین و بی نقص ترین روش های اصلاح است که ضرورت آن غیر قابل انکار می باشد.

یا رسول الله . فرمود: بهترین زنان تان آنی است که فرزندآورتر و محبوب تر، پوشیده تر و پاکدامن و عزیز در خانواده، فروتن و عشوه گر برای شوهر و متین در پیش دیگران باشد. همچنین سفارش شده است که با فرد همشأن خود در دین و ایمان ازدواج نمایید. سیره شخصی حضرت رسول (ص) این بود که هر گاه اراده ازدواج با زنی می نمود، ابتدا کسی را نزد او می فرستاد تا به او نیک بنگرد و گریانش را ببوید. حضرت فرمود: «إذالقى الله في قلب امرئ خطبة امرأة فلا بأس ان ينظر اليها؛ زمانی که خداوند خواستگاری از زنی را در دل مردی اندازد، نگاه نمودن به زن برای وی حلال است.» طبیعی است دیدن زنی که مرد می خواهد از وی خواستگاری کند و تحقیق از اخلاق و خصوصیات ظاهری و باطنی وی بر پایداری نهاد خانواده مؤثر است.

ج) سلامت و نشاط خانواده: پیامبر بر سلامت روانی و نشاط در خانواده نیز تأکید کرده اند. این مهم در نهاد خانواده وقتی تحقق می یابد که اولاً شخصیت و احترام متقابل میان زن و مرد در خانواده حفظ گردد. ثانیاً: نیازهای گوناگون هر یک از آن دو در این نهاد مقدس برآورده شود. در صورت تحقق این دو، خانواده تبدیل به کانون مهرورزی و محل آرامش و سکون زوجین و فرزندان خواهد شد. در غیر این صورت هر یک از زوجین نیازهای خویش را در خارج از خانه خواهند جست و خانه به محلی برای کشمکش و نزاع میان آنها تبدیل خواهد شد که سلامت روانی و نشاط هر یک از اعضای خانواده بخصوص فرزندان به خطر خواهد افتاد. پیامبر (ص) فرمود:

«خيركم خيركم لأهله و أنا خيركم لأهلي ما أكرم النساء إلا كريم و ما أهانهن إلا لئيم؛ بهترین شما بهترین شما بهترین فرد برای اهل و عیالش است و من بهترین شما برای خانواده ام می باشم. جز بزرگوار زن را گرامی و جز فرومایه وی را خوار نمی دارد.»

اسلام به روابط صمیمی میان زن و شوهر اهمیت می دهد و پاداش اخروی برای وی مقرر می دارد. و بر دوست داشتن و اظهار آن تأکید شده است و گفته اند هر چه بر ایمان بنده افزوده شود، بر محبت او به همسر افزوده می شود. برای انسان مستحب است که از اشتباهات همسرش چشم پوشی کند، و هر کس که بد اخلاقی همسرش را تحمل کند به او اجر معنوی عظیمی تعلق می گیرد.

در کشاکش میان سنت و تجدد، ناگزیر از اصلاح و ایجاد سازواری میان آن دو هستیم. این اصلاح در سایه سنت نبوی باید صورت گیرد، چرا که در سنت نبوی نه تنها اصلاحات تاریخی در حوزه حقوق خانواده و زن انجام شد که بنیادها و روش های صحیح اصلاح نیز نمایانده گردیده است.

مردی که زنش را بیازارد پروردگار نه انفاقش را می پذیرد و نه نماز مستحبی و نه نیکی اش را ... زنی که شوهر اولش مرده و مجدداً ازدواج کند روز قیامت با خوش اخلاق ترین آنها زندگی می کند. نیز حضرت فرمود:

«كفى بالمرأ اثماً ان يضيع من يعول؛ بر گناهکاری مرد همان بس که حقوق اهل و عیالش را ضایع نماید.» حضرت در آخرین لحظه های عمر شریفش فرمود:

«... الله الله في النساء فانهن عوان عندكم و في ايديكم اخذتموهن بعهد الله ...؛ خدا را خدا را! در حق زنان تان (ستم روا ندارید)، آنها همسران شما و در دست شمايند بر اساس پيمان الهی با آنها رفتار کنید.»

غزالی حکایتی از منابع اهل سنت می آورد که: میان حضرت و عایشه اختلافی به وجود آمد. ابوبکر به عنوان داور (حکم) و شاهد تعیین گردید. رسول خدا رو به عایشه نمود و فرمود: سخن می گویی یا من بگویم؟ عایشه گفت: شما سخن گویند ولی جز حق نگویند. ابوبکر ناگهان سیلی به صورت عایشه زد! سپس گفت: ای دشمن (خدا) تو یا رسول الله ناحق می گوید؟! عایشه به رسول خدا (ص) پناه برد و پشت سر حضرت نشست. پیغمبر به ابوبکر گفت: تو را برای این کار نخواندیم و این رفتار را از تو نخواستیم. بهترین مردان امت من آنهایی هستند که با خانواده با تکبر رفتار نمی کنند و با ترحم و مهربانی سلوک می کنند و به آنها ظلم نمی نمایند.»

همچنین برآوردن نیازهای مادی و معیشتی خانواده بر دوش مرد گذاشته شده، مرد مسئول رفاه و آسایش خانواده و همسرش است. روایات بسیاری برای بیان اجر و پاداش کسی که برای رفاه و تأمین خانواده اش تلاش می کند وارد شده است. تأمین نیازهای معیشتی همسر و فرزندان از تکالیف مرد است و وی به خاطر انجام تکلیف حق ندارد بر اهل و عیالش منت بگذارد.

یکی دیگر از اسباب نشاط آرایش و ایجاد جاذبه در زن و مرد است که پیامبر به نکات مهمی در این باب اشاره می فرماید: استعمال بوی خوش خضاب کردن (حنا گذاشتن)، مستحب است. امام صادق (ع) فرمود که پیامبر فرموده اند: برای زنان بوی خوش مناسب است که بوی خوش آب و رنگ داشته باشد و رایحه اش پنهان باشد اما بر عکس برای مردان بوی خوش مناسب است که رایحه داشته باشد و آب و رنگش پنهان.

امام باقر (ع) فرمود: رسول خدا حنا می بست و موی مبارکش نزد ما موجود است. همچنین سرمه کشیدن در روایات برای زن و مرد مستحب دانسته شده است.

بنابراین استحکام نهاد خانواده و برآوردن نیازهای عاطفی و معیشتی در این نهاد از مواردی است که اسلام بخصوص رسول اکرم (ص) بر آن تأکید فراوان دارد.

حضرت نه تنها مؤمنان را به حسن معاشرت و مهربانی با همسران شان دعوت می فرمود که خود نیز مهربان بود. شهید مطهری در این مورد می گوید:

در خانواده مهربان بود. نسبت به همسران خود هیچ گونه خشونت نمی کرد و این بر خلاف خلق و خوی مکیان بود. بدزبانی برخی از همسران خویش را تحمل می کرد تا آنجا که دیگران از این همه تحمل رنج می بردند. او به حسن معاشرت با زنان توصیه و تأکید می کرد و می گفت: همه مردم دارای خصلت های نیک و بد هستند. مرد نباید تنها جنبه های ناپسند همسر خویش را در نظر بگیرد و همسر خود را ترک کند. چه هر گاه از یک خصلت او ناراحت شود خصلت دیگرش مایه خشنودی اوست و این دو را با هم به حساب آورد.

از انس نقل شده است که رسول خدا (ص) مهربان ترین مردم نسبت به زنان و کودکان بود.

از عایشه همسر رسول خدا نقل شده است که حضرت رسول خدا هیبت نبوت را بین خود و همسرانش سد و مانع قرار نمی داد، بلکه با انس و ملایمت بسیار رفتار می کرد. چندان نرم رفتار و گرم خوی بود که گاهی بعضی از همسرانش به او با درشتی سخن می گفتند. در کارهای خانه دستیار زنان بود و خدمت به زن را نوعی صدقه و کار نیک می دانست.

پیامبر اکرم (ص) همچنان که خود مهربان بود و بر مهربانی مردان مؤمن با زنان تأکید می ورزید، همچنان زنان مؤمن را به خوش رفتاری و خوش خویی با همسران شان فرامی خواندند و زنان را موظف می ساختند که به خواسته های مشروع شوهران شان گردن نهند و بر کمبودها و نداری آنها صبور باشند. نیز خویشتن را برای شوهران شان بیارایند و با شوهران شان حسن سلوک داشته باشند.

د) حفاظت از نهاد خانواده: همچنان که پیش از این گفتیم پیامبر اکرم (ص) هم در ایجاد نهاد نکاح کوشیده اند و هم در پایداری و مانایی آن. انحلال نکاح از دید رسول اکرم (ص) به عنوان مبعوض ترین حلال یاد شده، تمام احکام، شرایط و وظایف در نظام خانواده به گونه ای تنظیم شده است که نظم عادلانه ای بر این نهاد اجتماعی حاکم گردد.

مسئولیت عمده اداره این نظام دیرپای انسانی بر عهده مرد نهاده شده، این مسئولیت ها در کتب فقهی و اخلاقی به تفصیل بیان شده است.

خداوند بزرگ نیز جهت حفظ حقوق زن در خانواده می فرماید: «و عاشروهنّ بالمعروف» و به خاطر عظیم داشتن حق آنها می فرماید: «و اخذن منکم میثاقا غلیظا» چنانچه ملاحظه می شود خداوند در قرآن کریم از نهاد ازدواج به «میثاق غلیظ» (پیمان استوار) تعبیر می کند. طبیعی است چنین پیمانی نباید به آسانی بگسلد. حُسن خُلقی که در اسلام بر آن تأکید شده است، نقش اساسی در تحمل ناملازمات زندگی و در نتیجه پایداری و استحکام خانواده دارد.

سخن و سیره رسول معظم (ص)

علاوه بر توصیه به تشکیل نهاد خانواده، بر استحکام آن نیز تأکید دارد. سفارش های حضرت بر رعایت نکاتی در باره گزینش همسر و بیان ملاک های آن همه حکایت از این مهم دارد. اسلام به روابط صمیمی میان زن و شوهر اهمیت می دهد و پاداش اخروی برای وی مقرر می دارد. و بر دوست داشتن و اظهار آن تأکید شده است و گفته اند هر چه بر ایمان بنده افزوده شود، بر محبت او به همسر افزوده می شود. برای انسان مستحب است که از اشتباهات همسرش چشم پوشی کند، و هر کس که بداخلاقی همسرش را تحمل کند به او اجر معنوی عظیمی تعلق می گیرد. مردی که زنش را بیازارد پروردگار نه انفاقش را می پذیرد و نه نماز مستحبی و نه نیکی اش را ... حضرت فرمود:

«مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ امْرَأَتِهِ اعطاه الله من الأجر مثل ما أعطى أيوب على بلائه و مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا اعطاه الله مثل ثواب أسية امرأة فرعون؛ هر مردی که بر بداخلاقی همسرش صبر کند، خداوند پاداشی برابر با اجر حضرت ایوب بر بلایش به او می دهد و هر زنی که بر بداخلاقی همسرش بردباری پیشه کند خداوند ثوابی همانند اجر آسیه همسر فرعون به او می دهد.»

همچنین پیامبر اکرم (ص) فرمود: جبرئیل آن قدر در باره زن به من سفارش نمود که گمان بردم طلاق دادن او جز در موردی که کار بسیار بدی از او سر زند جایز نیست.

و نیز حضرت در مورد طلاق فرمود:

«أبْغَضُ الْحَلَالِ إِلَى اللَّهِ الطَّلَاقُ؛ مبعوض ترین حلال ها نزد خداوند طلاق است.» و فرمود: زن بگیری و طلاق مدهی زیرا خداوند مردانی را که مکرر زن گیرند (و طلاق دهند) و زنانی را که مکرر شوهر کنند (و طلاق بگیرند) دوست ندارد. ازدواج کنید. طلاق ندهید که عرش خدا با طلاق به لرزه می افتد.

ابتکارات دین مبین اسلام برای پایداری خانواده و نجات این نهاد مقدس از فروپاشی، جالب و منحصر به فرد است. امروز در جوامع مختلف، طلاق و فروپاشی خانواده به یکی از معضلات اجتماعی تبدیل شده است. قانون

گذاران، حقوق دانان، روان شناسان، جامعه شناسان و ... هر کدام با روش خود سعی می کنند بنیان ازدواج ها را استوارتر و پایدارتر و خلل ناپذیرتر سازند. اما آمارها نشان می دهد که سال به سال آمار طلاق رشد فزاینده ای را نشان می دهد.

اسلام نه تنها با طلاق و جدایی زن و شوهر مبارزه کرده است و آن را مبعوض خداوند می داند بلکه با علت های طلاق و آنچه که زمینه پیدایش آن می باشد، مبارزه نموده است. هر چند از سوی دیگر طلاق را تجویز نموده و آن را راهی برای نجات زن یا مرد از ازدواج های ناموفق قرار داده است.

اگر به هر دلیلی ازدواج میان زن و مرد ناموفق بود و کانون گرم خانواده به سردی گرایید، اسلام خانه را برای زن و مرد زندان ابد قرار نداده، بلکه اگر با همه سفارش و توصیه برای شکیبایی و تحمل زندگی، برای زن و مرد زیر یک سقف زندگی کردن تلخ شد اسلام راه گریز و چاره ای برای این مشکل مقرر کرده است.

شهید مطهری با اشاره به اینکه از نظر طبیعی انجام طلاق تابع قانون خاصی است که طبیعت به وجود آورده است تصریح می کند:

«وقتی طبیعت پایه ازدواج را بر محبت و وحدت و همدلی قرار داده نه بر همکاری و رفاقت ... پیمانی که اساسش محبت و یگانگی است نه بر همکاری و رفاقت قابل اجبار و الزام نیست. با زور و اجبار قانونی می توان دو نفر را ملزم ساخت که با یکدیگر همکاری کنند و پیمان همکاری خود را بر اساس عدالت محترم بشمارند و سالیان دراز به همکاری خود ادامه دهند اما ممکن نیست با زور و اجبار قانونی دو نفر را وادار کرد که یکدیگر را دوست داشته باشند؛ نسبت به هم صمیمیت داشته باشند؛ برای یکدیگر فداکاری کنند، هر کدام از آنها سعادت دیگری را سعادت خود بدانند.»

اسلام به رغم به رسمیت شناختن طلاق در مواقع ضروری، موانع و تشریفات در اجرای طلاق در نظر گرفته است که برای کاهش طلاق و احیا و استحکام نهاد خانواده مؤثرتر است. در عمل چه بسا شرایط و مقررات موجب انصراف از طلاق می شود. شرایط و تشریفات را در محل خود بررسی می کنیم.

روایات بسیاری برای بیان اجر و پاداش کسی که برای رفاه و تأمین خانواده اش تلاش می کند وارد شده است. تأمین نیازهای معیشتی همسر و فرزندان از تکالیف مرد است و وی به خاطر انجام تکلیف حق ندارد بر اهل و عیالش منت بگذارد.

آخر این بحث را به روایتی در باره سیره پیامبر عظیم الشان که در فروع کافی آمده است، خاتمه می دهیم:

رسول خدا به مردی رسید و از او پرسید: با زنت چه کردی؟ گفت: طلاق دادم. فرمود: آیا کار بدی از او دیدی؟ گفت: نه، از او کار بدی ندیدم. مدتی گذشت و آن مرد بار دیگر ازدواج نمود. پیامبر (ص) از او پرسید: زن دیگر گرفتی؟ گفت: بلی. پس از مدتی باز از او پرسید: با این زن چه کردی؟ گفت: طلاق دادم. فرمود کار بدی از او دیدی؟ گفت: نه کار بدی ندیدم.

این قضیه گذشت و آن مرد بار سوم ازدواج کرد. پیغمبر اکرم از او پرسید: باز زن گرفتی؟ گفت: بلی یا رسول الله . مدتی گذشت و پیغمبر باز از او پرسید: با این زن چه کردی؟ گفت: او را هم طلاق دادم. فرمود: بدی از او دیدی؟ گفت: نه. رسول اکرم فرمود: خداوند دشمن می دارد و لعنت می کند مردی را که دلش می خواهد مرتب زن عوض کند و زنی را که دلش می خواهد مرتب شوهر عوض کند.

بررسی حقوق خانواده در عصر پیغمبر

اسلام چون جهان بینی و ایدئولوژی نوی به بشر ارائه نمود، تمام نهادهای موجود از جمله نهاد خانواده را معطوف به تعالیم و ارزش های متعالی خود قرار داد.

عدالت اجتماعی، ارج نهادن به حقوق ذاتی بشر، احترام به کرامت انسانی زن، حمایت از نظم و نظام پایدار اجتماعی، حمایت از نهاد خانواده ... در یک کلمه هدایت انسان به سوی زندگی سالم و حیات طیبه از ارزش های متعالی اسلام بود.

حضرت محمد (ص) با تمام توان کوشید ارزش های والای اسلام را در لایه های مختلف ارائه دهد و اهداف کلی و نظام مطلوب را به صورت برنامه های جزئی و کاربردی به جامعه عرضه نماید:

أ) آزادی زن در انتخاب همسر: آزادی زن در انتخاب شریک زندگی (که در حقوق و فقه از آن به قصد و رضای زن در عقد تعبیر می شود) از مهم ترین اصلاحات صورت گرفته در زمینه حقوق و هویت زنان است که اسلام بر آن تأکید فراوان دارد؛ زیرا دین برای زن شایستگی کامل قایل است که به موجب آن می تواند طرف عقد قرار گیرد. قصد و رضا (که از آن به اراده طرفین تعبیر می شود) از ارکان هر عقد از جمله نکاح است. در زمان جاهلیت و در بعضی جوامع سنتی رضایت و قصد زنان برای بستن پیمان ازدواج لحاظ نمی شود. پدر و برادر و سایر افراد در مورد ازدواج زنان تصمیم می گرفتند و به خواست و اراده زنان هیچ توجه نمی شد. شهید مطهری حدیثی از حضرت محمد (ص) را در ضمن گفتگو آورده اند که نقل می کنیم: «دخترک نگران و هراسان آمد نزد رسول اکرم:

- یا رسول الله ، از دست این پدر ...

- ... مگر پدرت با تو چه کرده است؟

- برادرزاده ای دارد و بدون آنکه قبلاً نظر مرا بخواهد مرا به عقد او در آورده است.

- حالا که او کرده است، تو هم مخالفت نکن، صحنه بگذار و زن پسر عمویت باش!

- یا رسول الله ، من پسر عمویم را دوست ندارم. چگونه زن کسی بشوم که دوستش ندارم؟

- اگر او را دوست نداری، هیچ. اختیار با خودت، برو هر کس را که خودت دوست داری به شوهری انتخاب کن!

- اتفاقاً او را خیلی دوست دارم و جز او کس دیگری را دوست ندارم و زن کسی غیر از او نخواهم شد. اما چون

پدرم بدون آنکه نظر مرا بخواهد این کار را کرده است، عمداً آمدم با شما سؤال و جواب کنم تا از شما این جمله را

بشنوم و به همه زنان اعلام کنم از پیامبر اکرم (ص) همچنان که خود مهربان بود و بر مهربانی مردان مؤمن با

زنان تأکید می ورزید، همچنان زنان مؤمن را به خوش رفتاری و خوش خویی با همسران شان فرامی خواندند و

زنان را موظف می ساختند که به خواسته های مشروع شوهران شان گردن نهند و بر کمبودها و نداری آنها صبور

باشند. نیز خویشتن را برای شوهران شان بیارایند و با شوهران شان حسن سلوک داشته باشند.

این پس پدران حق ندارند سر خود هر تصمیمی که می خواهند بگیرند و دختران را به هر کس که دل خودشان

می خواهد شوهر دهند.»

روایت فوق که از ابن عباس نقل شده و در منابع اهل سنت وارد شده، مورد توجه و استناد فقیهان شیعه نیز قرار

گرفته است.

وقتی خنساء دختر خدام ابن خالد انصاری پیش پیغمبر می آید و از اینکه پدرش در امر ازدواج وی با او مشورت

نکرده و وی را به عقد کسی که او را دوست ندارد در آورده است، حضرت فرمود: «أمرک بیدک؛ اختیارت با خودت

هست.»

نظیر این روایت در منابع حدیثی مکرر آمده است. حضرت محمد (ص) به صورت مطلق فرمود: «لا تتكحوا النساء حتى تستأمروهنّ فإذا سكتن فهو اذنهن؛ زنان را پیش از اینکه با خودشان رایزنی کنید شوهر ندهید. هر گاه از آنان در مورد خواستگاران شان نظر خواستید و سکوت کردند، سکوت علامت رضایت است.» سیره عملی پیامبر بر این استوار بود که رضایت دختر شرط صحت عقد است. در تاریخ بر این نکته تصریح شده است که قبل از حضرت علی (ع) چند تن از بزرگان صحابه به خواستگاری حضرت فاطمه (س) رفتند ولی هر بار که پیامبر نظر حضرت زهرا را جویا شد، وی نپذیرفت. اما وقتی حضرت علی به خواستگاری آمد حضرت محمد فرمود: علی، پیش از تو کسانی به خواستگاری او آمده بودند اما دخترم نپذیرفت. بگذار ببینم وی چه می گوید. سپس به خانه رفت و به دخترش گفت: علی تو را از من خواستگاری کرده است. تو پیوند او را با ما و پیشینه او را در اسلام می دانی و از فضیلت او آگاهی. زهرا (س) بی آنکه چهره خود را برگرداند خاموش ماند. پیغمبر چون آثار خشنودی را دید گفت: اللّٰه اکبر، خاموشی او علامت رضاست.

به این ترتیب رضایت زن برای ازدواج و ابراز آن از مسلمات سیره نبوی است. هر چند اظهار و اعلام رضایت با سکوت نیز پذیرفته است. لحاظ رضایت زن هم برای اعراب جاهلی (که زنان را به ارث می بردند و گاهی نیز می ربودند)، کار ساده ای نبود، همچنان که اکنون در برخی جوامع اسلامی (که اسیر سنت های قبیله ای هستند) به رضایت دختر چندان اهمیت نمی دهند. متأسفانه برخی افراد ناآگاه و مغرض این رسوم غلط مسلمانان را به اسلام و پیغمبر روشن اندیش منتسب می نمایند!

ب) داشتن حق مالکیت زن از دید اسلام دارای استقلال مالی است. در صورتی که پیش از قرن بیستم در حقوق اروپا زن در برابر شوهر استقلال مالی نداشت.

مهر و نفقه از آثار نکاح است و اساساً عقد نکاح یک عقد معوّض نیست تا مبادله و معاوضه ای در کار باشد. به این معنا که اسلام در تنظیم روابط زن و شوهر در نهاد خانواده در برابر تکالیفی که بر عهده زن نهاد حقوقی نیز برای وی قایل شد. به این معنا که بار اقتصادی خانواده و تأمین هزینه های خانواده را بر عهده شوهر گذاشت.

پدیده هایی پیرامون پیوند زناشویی

1- مهر: کلمه مهر در قرآن کریم نیامده، اما کلماتی نظیر «صداق»، «نحله»، «فریضه» و «اجر» استعمال شده است. مهر از نظر کمی و زیادی محدودیتی ندارد هر چند مستحب است که مقدار آن از «مهر السنة» - مهری که پیامبر کابین زنان خود قرار داد و پانصد درهم (پنجاه دینار) - افزون نباشد. مهر فقط جنبه مادی ندارد بلکه جنبه اخلاقی و معنوی نیز دارد. قرآن کریم از آن به «صداق» که نشانه صداقت مرد می باشد و «نحله» که به معنای تحفه و هدیه ای است از جانب مرد به زن، یاد کرده است. از تعبیرات قرآن کریم فهمیده می شود مهر جهت تعظیم و تکریم زن قرار داده شده است. اگر زن از حش می تواند بگذرد، بدان معنا نیست مهر بهایی است که مرد در مقابل انتفاعی که از زن می برد، می پردازد. این تصور غلط را برخی فمینیست ها کرده اند. آنان مهریه را بقایای عصر تیول داری و برده داری می دانند که به زن به دیده کالا نگریسته اند.

غرب گرایانی که برداشت مادی از پدیده های اجتماعی، اساس و جوهر اندیشه و نواندیشی شان است میان «مهریه» با «کالا بودن زن» که اسلام با آن مخالف است، آمیخته اند. اسلام مهریه را در نظام معنوی خویش جنبه اخلاقی داده است. تأکید بر جنبه معنوی مهر در اسلام و بخصوص در سنت نبوی پیامبر اکرم (ص) هم در ایجاد نهاد نکاح کوشیده اند و هم در پایداری و مانایی آن. انحلال نکاح از دید رسول اکرم (ص) به عنوان مبعوض ترین حلال یاد شده، تمام احکام، شرایط و وظایف در نظام خانواده به گونه ای تنظیم شده است که نظم عادلانه ای بر این نهاد اجتماعی حاکم گردد.

فراوان است. حضرت محمد (ص) فرمود:

«خیر الصداق أيسره؛ بهترین مهرها آنست که سبک تر باشد.» نیز فرموده اند: «از خوش یمنی زن آن است که خواستگاری اش بی تکلف و مهرش کمتر باشد.» در زمان حضرت و به توصیه وی برخی اصحاب، آموزش سوره ای از قرآن را توسط شوهر کابین زن قرار داده اند.

نکته مهمی شهید مطهری در باب مهر گفته اند: مهر زنان در زمان ما با مهر در زمان پیغمبر، جدای از کم و زیادی اش تفاوت عمده ای پیدا کرده است. در زمان ما مهریه ای که در عقد نکاح قرار می گیرد به صورت دین بر ذمه شوهر می ماند. زن معمولاً آن را مطالبه نمی کند مگر مشاجره و اختلافی پیش آید. به تعبیر ایشان مهر در این فرض جنبه وثیقه به خود می گیرد: در صدر اسلام معمول بود که مرد هر چه به عنوان مهر متعهد می شد، نقد می پرداخت. علی هذا به هیچ وجه نمی توان گفت که نظر اسلام از مهر این بوده که وثیقه ای در اختیار زن قرار دهد.

بنابراین مهر نه بهای زن است و نه وثیقه.

مهر هدیه و پیشکشی است از سوی مرد که خریدار محبت و عشق زن است و این دقیقاً مطابق با خصوصیات روحی و روانی زن و مرد و خلقت آنهاست.

2- نفقه یکی از آثار مالی عقد نکاح قرار گرفتن نفقه بر عهده زوج است. منشأ این حکم آیات و روایات است. نفقه عبارت از

حُسْن خُلُقِی که در اسلام بر آن تأکید شده است، نقش اساسی در تحمل ناملازمات زندگی و در نتیجه پایداری و استحکام خانواده دارد.

مسکن، لباس، غذا و لوازم منزل است که با توجه به عرف محل زندگی و وضع همسر تعیین می گردد و باید به اندازه ای باشد که احتیاج زن مرتفع گردد.

نفقه زوجه بر نفقه سایر افراد واجب النفقه مثل پدر و مادر و اولاد مقدم است.

روایات وارده از نبی اکرم (ص) تأکید بسیاری بر ادای این حق دارد و از پرداخت نکردن نفقه به بزرگ ترین گناهان در نظر خداوند تعبیر فرموده. و گفته اند:

نخستین چیزی که در ترازوی بنده می گذارند خرجی است که برای کسان خود کرده است.

در روایت دیگر دیناری را که خرج اهل و عیال می شود، بالاتر از دیناری می داند که در راه خدا و آزادی بنده و دادن به مسکین خرج می گردد. پیامبر فرمود:

هر کس خدا بدو گشایش دهد و باز بر عیال خود سخت گیرد از ما نیست. خرجی که مرد برای کسان خود کند صدقه است.

چنانچه ملاحظه می شود حضرت رسول اکرم (ص) نفقه را که مسئله حقوقی و از آثار نکاح است، به چه زیبایی با اخلاق می آمیزد و یک قاعده خشک حقوقی را چگونه لطیف می فرماید.

همچنان که در مقدمه این مقاله اشاره کردیم این شیوه از خصوصیات و ابتکارات نظام حقوقی اسلام است که قواعد و احکام آن صرفاً جنبه حقوقی ندارند بلکه با اخلاق و معنویت آمیخته اند. بسیاری از حقوقدانان این خصوصیت را از امتیازات و مزیت های نظام حقوقی اسلام دانسته اند، چه اینکه قواعد اخلاقی دارای ضمانت اجرای درونی است بر عکس قواعد حقوقی که با الزام بیرونی تضمین می گردد. فشاری که در قواعد حقوقی، شخص احساس می کند و همواره به گریز از آن می اندیشد، در قواعد اخلاقی چنین فشاری شخص بر خود احساس نمی کند بلکه با جان و دل آن را می پذیرد. در فلسفه تشریح نفقه بحث های بسیار صورت گرفته است که نیاز به تکرار نیست. نفقه نه تنها از منزلت زن نگاهیده، بلکه منزلت و حقوق زن را بیشتر تأمین و تضمین نموده است.

با توجه به اینکه جوهره آموزه های اسلام را عدالت اجتماعی تشکیل می دهد سعادت جامعه و خانواده در گرو اجرای عدالت است و عدالت این است: زنی که نه ماه حمل را تحمل می کند و مدت طولانی از فرزند خود پرستاری و نگهداری می کند باید مسئولیتی در قبال مخارج خود و فرزندش نداشته باشد و مرد باید مخارج زندگی خانواده اش را تأمین کند.

بر اساس سنت نبوی این وظیفه نه تنها یک قاعده حقوقی است و در صورت خودداری شوهر، زن می تواند به حاکم مراجعه و الزام او را بخواهد بلکه قاعده دینی و اخلاقی است که اگر مرد از دادن نفقه سر باز زند گرفتاری وجدان و عذاب اخروی را به جان خریده است.

3- طلاق: طلاق یا رها شدن از الزامات نکاح از مباحث مهم حقوق خانواده است. در طلاق چون مسئله انحلال نکاح و به پیروی آن حقوق طرفین و کودکان مطرح می گردد بسیار مورد عنایت شریعت و فقه اسلامی قرار گرفته است.

در متون دینی و روایی بر پرهیز از طلاق و ادامه زندگی بسیار تأکید شده و از آن به عنوان مبعوض ترین حلال یاد شده ولی در نهایت به عنوان آخرین راه حل پایان یافتن اختلاف میان زوجین پذیرفته شده است. اسلام کوشش کرده است طلاق در فضای غیر احساسی و دور از هیجان صورت گیرد، تا مشخص شود که واقعا تفاهم در زندگی مشترک وجود ندارد. اسلام برای طلاق یک نهاد خانوادگی دآوری را تأسیس کرده است که در صورت اختلاف و تصمیم بر جدایی، هر یک از زن و شوهر، از کسان خیرخواه خود، فردی را تعیین نمایند تا به مشکل رسیدگی نمایند. قبل از آنکه مسئله به محکمه قضایی بکشد و اسرار خانوادگی فاش شود، هیئت خانوادگی می کوشد سازش و آشتی را به خانواده بازگرداند.

گذشته از آن حضور دو شاهد عادل در طلاق شرط دانسته شده است. فلسفه تشریح این قانون، حمایت از نهاد خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن است، چه این شرط اولاً از طلاق های احساساتی و هیجانی جلوگیری می کند، ثانياً با حضور و اطلاع دو مرد عادل و خیرخواه، پیامدهای منفی در جلسه طلاق بار دیگر بررسی و به طرفین گوشزد می گردد. به این وسیله ممکن است طرفین دست از اختلاف بکشند و به صفا و صمیمیت بازگردند و از طلاق پشیمان گردند. اینکه امروز معمول شده است که حضور دو شاهد عادل و اجرای طلاق به صورت تشریفاتی در آمده، چه بسا شاهدان و مجری طلاق اصلاً زن و شوهر را شناسند، خلاف حکمت تشریع حضور دو شاهد

است.

طلاق در روزهای عادت ماهیانه زن واقع نمی گردد، همچنین طلاق در طهر واقعه واقع نمی گردد و سه طلاق در یک مجلس، یک طلاق به حساب می آید.

دقت رسول گرامی (ص) بر رعایت مسائل طلاق به حدی بود که طلاق عبدالله بن عمر را به این دلیل که زنش را در عادت ماهیانه طلاق داده بود باطل اعلام فرمود و به او دستور داد که دوباره با همسرش ارتباط برقرار کند.

4- ارث: در عرب جاهلی، نسب از اسباب ارث بود و تنها کسانی ارث می بردند که می توانستند اسب سواری کنند و شمشیر و اسلحه حمل نمایند. به این ترتیب زنان و کودکان از ارث محروم بودند و زن متوفا نیز از ترکه به حساب می آمد! اقربای مرد متوفا که به آنها «عصبه» می گفتند بر اساس درجه قرابت شان از متوفا ارث می بردند.

در شأن نزول آیه ارث آمده است: مردی از انصار مُرد و چهار دختر و زنش از او بر جای ماند. پسرعمویش تمام اموالش را تصاحب نمود. زن متوفا نزد پیامبر آمد و از تنگدستی و رفتار پسر عموی شوهرش شکوه نمود، وحی نازل شد که: «برای مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان [آنان] بر جای گذاشته اند سهمی است و برای زنان [نیز] از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان [آنان] بر جای گذاشته اند سهمی خواهد بود. خواه آن کم باشد یا زیاد، نصیب هر کس مفروض شده است.»

به دنبال این آیه، آیه میراث نازل شد: «خداوند به شما در هر مردی که بر بداخلاقی همسرش صبر کند، خداوند پاداشی برابر با اجر حضرت ایوب بر بلایش به او می دهد و هر زنی که بر بداخلاقی همسرش بردباری پیشه کند خداوند ثوابی همانند اجر آسیه همسر فرعون به او می دهد.

شهید مطهری:

با زور و اجبار قانونی می توان دو نفر را ملزم ساخت که با یکدیگر همکاری کنند و پیمان همکاری خود را بر اساس عدالت محترم بشمارند و سالیان دراز به همکاری خود ادامه دهند اما ممکن نیست با زور و اجبار قانونی دو نفر را وادار کرد که یکدیگر را دوست داشته باشند؛ نسبت به هم صمیمیت داشته باشند؛ برای یکدیگر فداکاری کنند، هر کدام از آنها سعادت دیگری را سعادت خود بدانند.

باره فرزندان تان سفارش می کند: سهم پسر چون سهم دو دختر است ...»

وقتی آیه فرایض نازل شد که به زن ارث دهید و کودک همانند بزرگسالان ارث می برد، اعراب برآشفتن و گفتند: این سخن را بازگو نکنید! شاید رسول خدا (ص) را فراموشی عارض شده و اگر چنین مطلبی صحیح باشد به او می گوئیم آن را تغییر دهد.

برخی از ایشان آمدند و به پیامبر اعتراض نمودند که: آیا ما، به کنیزکی، نصف ارث پدرش را بدهیم در حالی که

نمی تواند بر مرکب نشیند و با دشمن بجنگد؟! آیا به کودک میراث دهیم که هیچ کاری از وی بر نمی آید؟!!

پس مقرر نمودن ارث برای زنان از ابتکارات اسلام است که دگرگونی بزرگی در حقوق زن و خانواده به وجود آورد و

استقلال اقتصادی زن در خانواده را بنیان نهاد. این حکم شریعت (که با وحی الهی تشریح شد) با پایمردی و

زحمت های طاقت فرسای حضرت محمد (ص) اجرا و نهادینه شد.

مهر و نفقه از آثار نکاح است و اساساً عقد نکاح یک عقد معوض نیست تا مبادله و معاوضه ای در کار باشد. به

این معنا که اسلام در تنظیم روابط زن و شوهر در نهاد خانواده در برابر تکالیفی که بر عهده زن نهاد حقوقی نیز

برای وی قایل شد. به این معنا که بار اقتصادی خانواده و تأمین هزینه های خانواده را بر عهده شوهر گذاشت. مهر فقط جنبه مادی ندارد بلکه جنبه اخلاقی و معنوی نیز دارد. قرآن کریم از آن به «صداق» که نشانه صداقت مرد می باشد و «نحله» که به معنای تحفه و هدیه ای است از جانب مرد به زن، یاد کرده است. از تعبیرات قرآن کریم فهمیده می شود مهر جهت تعظیم و تکریم زن قرار داده شده است.